

جایگاه دانش اصول فقه در گرایش های حقوقی و فقهی با تأکید بر نقد و بررسی کتاب الوسیط فی اصول الفقه

محمدحسین شبیری فر

تاریخ ارسال: ۱۳۹۴/۱۱/۲۴؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۸/۱۹

چکیده

قانونگذاری، تفسیر قانون، اعمال و اجرای آن نیاز مبرم به شناخت، فهم، امعان نظر و دقت اصولی دارد؛ اساساً دانش اصول فقه به مثابه رشته ای روش شناختی می تواند در حوزه های معرفتی و همه علوم اسلامی به کار آید؛ به ویژه در پژوهش ها و مطالعات حقوقی و برای دانش پژوهان رشته های حقوق این ضرورت دارای اهمیت مضاعف است. قسمت مهم حقوق خصوصی ایران مقتبس یا متأثر از فقه اسلامی است. حتی اصطلاحات عقود، ایقاعات، شروط و غیره که در آن به کار رفته، همان اصطلاحات فقهی است و چون استفاده از فقه امامیه بدون اصول فقه غیرممکن است از این رو باید پذیرفت که علم اصول فقه تأثیر زیادی در فهم و درک حقوق موضوعه ایران دارد. اکنون کم و بیش دانشجویان رشته های فقه و حقوق با این مسئله مواجه اند که متونی از این دست با اهداف درسی و شغلی آنان چه مقدار منطبق است؟ کتاب الوسیط فی اصول الفقه که هم اکنون متن آموزشی اصول فقه در دانشگاه پیام نور است ضمن آنکه نسبت به متون مشابه دارای نقاط قوت بوده و در نوع خود برجسته است، اما دارای ضعف هایی است که در این مقاله به آن ها اشاره شده است؛ البته می توان از طریق ویرایش، ترجمه و شرح هایی که بر آن نوشته می شود این کاستی ها را جبران کرد.

کلیدواژه ها: اصول فقه، الوسیط، بایسته های متون آموزشی اصول فقه، کاربرد دانش اصول فقه.

مقدمه

بی تردید در نظام حقوقی ایران «فقه» به عنوان مهم ترین و برجسته ترین منبع حقوقی است؛ فقه همواره به عنوان یکی از منابع حقوق و قوانین کشور مورد استناد حقوق دانان بوده و بسیاری از قوانین نیز بر همین مبنا استوار گشته و از همین منبع استخراج شده است.

اصول فقه و ضرورت تجزیه و تحلیل مبانی اصولی در آموزش علم حقوق و فرایند قانونگذاری از ضرورت هایی است که باید نسبت به تعمیق و کارایی متون آموزشی آن اهتمام هر چه بیشتری داشت. دستیابی به احکام شریعت، قانونگذاری، فهم و تفسیر قوانین و داوری و اجرای آن بدون شناخت و فهم صحیح دانش اصول فقه، ناممکن است. علم اصول فقه تأثیر بسزایی در فهم و درک حقوق دینی و قوانین جمهوری اسلامی دارد؛ لذا برای فهمیدن حقوق و قوانین و نگارش لوایح و آیین نامه ها لازم است با قواعد اصولی و کاربرد آن ها آشنا شویم.

کارکرد و نقش دانش اصول فقه

«اصول فقه»، نسبت به دانش فقه، علمی ابزاری شمرده می شود و در طول تاریخ شکل گیری و گسترش خود، ادوار مختلفی را طی کرده و در هر دوره ای مباحث جدیدی به دامنه مباحث آن افزوده شده است. تعریف اصول فقه نیز بسان تابعی از دامنه موضوعات آن، در کتب این علم دچار تحول بوده است.

ترکیب اصول فقه در آغاز به معنایی معادل اصطلاح «ادله فقه» به کار می رفته و معنای مصطلح خود را به عنوان علمی خاص، از همین مفهوم گرفته است. با مروری بر آثار نویسندگان سده های ۴ و ۵ ق / ۱۰ و ۱۱ م، می توان دریافت که در این دوره، هنوز در کاربرد تعبیر اصول فقه به معنای علم مورد نظر، بار مفهومی قدیم، به فراموشی سپرده نشده و پیوند میان این دو معنا کاملاً لحاظ شده است (خوارزمی، ۱۳۸۳: ۹-۷؛ مفید، ۱۴۱۳: ۲۸-۲۷؛ غزالی، ۱۳۲۲: ۴/۱). شاید بتوان ترکیب

اصطلاح اصول فقه را با دیدگاهی دستوری به عنوان ترکیبی اضافی تلقی کنیم و از آنجا که «اصل» در لغت به معنی «ما یبتنی علیه الشیء» آنچه چیزی بر آن مبتنی است، می توان اصول فقه را عبارت از مباحث و اموری دانست که علم فقه بر آن ها مبتنی است. این معنا، اگرچه در مقام توضیح، در دوره های گوناگون از تاریخ اصول فقه، بیانی دگرگون یافته است؛ اما اجمالاً قدر مشترکی است که در تعاریف گوناگون اصول فقه، در قرون مختلف به چشم می آید (صدر، ۱۳۷۹: ۱۶؛ گرجی، ۱۳۷۵: ۹)

به تصریح پاره ای از متون اساسی در اصول فقه امامی که به قرون متأخر مربوط می شوند، قول مشهور در تعریف علم اصول «علم به قواعد فراهم شده برای استنباط احکام شرعی فرعی» است (میرزای قمی، بی تا: ۵؛ آخوند خراسانی، ۱۴۱۲: ۹/۱). از جدیدترین تعریف های ارائه شده، تعریف آخوند خراسانی است مبنی بر اینکه علم اصول، صناعتی است که با آن قواعدی

شناخته می شوند که می توانند در طریق استنباط احکام به کار آیند یا در مقام عمل محل رجوع باشند (همان). به هر حال باید توجه داشت که تاریخ تحول تعریف این علم، با تاریخ گسترش دامنه آن تناسبی مستقیم دارد و هر زمان که اصول فقه در روند تاریخی خود به مرحله جدیدی پانهاد، نیاز به تجدیدنظری در تعریف آن احساس شده است.

امام خمینی (ره) در تعریف علم اصول می گوید: علم اصول قواعد آلی است که ممکن است به عنوان کبرا در استنتاج احکام کلی فرعی الهی یا وظیفه عملی مکلف مورد استفاده قرار گیرد (امام خمینی، ۱۳۷۰: ۱/۷۵-۵۱؛ سبحانی، بی تا: ۱۲/۱-۱)

مقصود از قواعد آلی قواعدی است که بحث از آن ها در علم اصول به جهت خود آن ها نیست بلکه از آن قواعد به جهت رسیدن به هدف دیگری بحث می شود، یعنی آن قواعد حکم ابزاری را دارند تا با آن ها به مقصود برسیم. با آوردن قید امکان بعضی از مباحث علم اصول مثل قیاس، اجماع منقول و ظنون غیر معتبر، داخل در مسائل اصولی می شوند. با اضافه کردن عبارت وظیفه عملی مباحث و مسائل اصول عملیه نیز داخل در مسائل علم اصول می شوند. گرچه مبحث الفاظ همانند دلالت امر، دلالت الفاظ عموم و... خارج از مباحث علم اصول بوده و مربوط به علم زبان شناسی است؛ اما به دلیل ضرورت و نیاز، مورد بحث قرار می گیرند.

در نتیجه می توان گفت: علم اصول فقه به بررسی قواعد و روش هایی می پردازد که استنباط احکام عملی از منابع فقه را ممکن می سازد؛ به بیان دیگر اصول فقه علم به مجموعه قواعد، ضوابط و ابزارهایی است که شخص را در مسیر استخراج و استنباط احکام شرعی یاری می دهد.

موضوع علم اصول

برخی گفته اند موضوع علم اصول ادله چهارگانه است. برخی استصحاب یا قیاس واستحسان را نیز بر آن افزوده اند؛ اما باید دانست که علم اصول موضوع مشخصی ندارد. هرچه بتواند فقیه را در استنباط حکم شرعی مدد رساند و در علم دیگری مستقلاً مورد بررسی قرار نگرفته باشد، در قلمرویی علم اصول قرار می گیرد. اساساً هیچ دلیلی بر لزوم وجود موضوع خاصی برای هر علم وجود ندارد (مظفر، ۱۳۷۰: ۶/۱).

اهمیت و جایگاه دانش اصول فقه

دوری از عصر نصوص و زایل شدن بسیاری از قراین حالی و بخشی از قراین مقالی از یک سو و افزون شدن هرروزه نیازهای جامعه اسلامی و پدید آمدن پرسش ها و مسائل بی سابقه از دیگر سو، ضروری می ساخت که محققان و فقیهان در فهم کتاب و سنت معصومان، ژرف کاوی ها و تأملات بیشتری به کار برند و با یک نگاه نو و با کمک عناصر مشترک و مضبوط به سراغ فهم دین و کشف احکام جدید بروند؛ این کار از آن جهت ضروری

جمهوری اسلامی دارد؛ لذا برای فهمیدن حقوق، قوانین، نگارش لوایح و آیین‌نامه‌ها لازم است با قواعد اصولی و کاربرد آنها آشنا شویم.

با توجه به اهمیت و نقش علم اصول در پیشبرد و ارتقای علمی دانشجویان، متون آموزشی اصول فقه در دانشگاه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. نقش اساسی حوزه و دانشگاه در رشد و توسعه علمی ایجاب می‌نماید تا همه افراد ذی‌ربط، بیش از پیش به ضعف‌های متون آموزشی هردو نظام بیندیشند و برای اعتلای آنها گام بردارند.

الوسیط فی علم الأصول

کتاب الوسیط فی اصول الفقه نوشته فقیه محقق آیت‌الله سبحانی است. این کتاب ضمن آنکه نارسایی‌های متونی از این دست را کمتر دارد، همه مباحث اصول فقه را با شیوه و چینی علمی ارائه کرده است. خوشبختانه دانشگاه پیام نور نسبتاً متن علمی و دقیقی را برای دانشجویان رشته‌های مربوطه تعیین کرده است. هرچند این کتاب دچار ضعف و کاستی‌هایی است که در این مقاله به آنها اشاره شده است. می‌توان از طریق ویرایش یا ترجمه و شرح‌هایی که بر آن نوشته می‌شود این کاستی‌ها را جبران کرد.

آیت‌الله سبحانی، متولد بیستم فروردین ۱۳۰۸ شمسی در ۱۷ سالگی اولین اثر خود در منطق را به رشته تحریر درآورد. وی از اساتید بزرگی چون آیت‌الله حجت کوه کمری، بروجردی، گلپایگانی و امام خمینی (ره) بسیار بهره برده است. تا پایان دوره اول درس اصول حضرت امام، به درس ایشان حاضر گشت آنگاه تصمیم گرفت تا مجموع درس‌های اصول فقه امام را تدوین نماید. این کار در ضمن ۷ سال (۱۳۳۰ تا ۱۳۳۷ ش) انجام شد و در همان زمان به چاپ رسید. امام راحل در آغاز کتاب مزبور - در تقریظی - چنین نگاه‌اشته‌اند:

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و لعنة الله علی أعدائهم أجمعین؛ و بعد فمما من الله تعالی علی هذا العید اتفاق صحابة جم من الأفاضل و عدّة من الأعلام أیدهم الله تعالی و منهم العالم العلم التقی صاحب الفکر الناقد و النظر الصادب الأغا میرزا جعفر السبحانی التبریزی و فقه الله تعالی لمرضاته و کثر الله أمثاله و لقد جدّ و اجتهد فی تنقیح مباحث الألفاظ من بحث هذا الفقیه به حسن سلیقته و توضیحها بجوده قریحته فصار به حمد الله و له المنه صحیفة کافلة لمهمات المسائل ... فی تاریخ ۲۴ شهر ربیع المولود ۱۳۷۵ ق»

چاپ این کتاب به وسیله استاد سبحانی مایه شگفتی بود. چنانچه، در آن زمان ۲۸ بهار بیشتر از عمر وی نمی‌گذشت و سبک نگارش کتاب هم به عربی شیوا و سلیس بود. ایشان به غیر از تدریس منظم فقه، اصول و فلسفه در حوزه علمیه، سالیان دراز به آموزش عقاید، رجال، درایه، تاریخ اسلام و تشیع، ملل و نحل، تفسیر و ادبیات پرداخته و در هریک از آنها آثار مفید و

بود که جلوی انحراف در فهم و به‌کارگیری قواعد ناصواب در کشف حکم از کتاب، سنت و به‌طور کلی روش‌های غلط و باطل در این راه گرفته شود. امامان و پیشوایان دینی که به این مسئله از همه آگاه‌تر بودند، پیش از همه به آن توجه کردند و برای جلوگیری از آن به تعلیم و املاقی قواعد کلی و عناصر مشترک استنباط پرداختند تا هم روش‌های باطل دیگران را در فهم از کتاب، سنت و کشف حکم به اصحاب خویش تذکر دهند و هم شیوه صحیح اجتهاد را به آنان بیاموزند (شهابی، ۱۳۴۰: ۳۰۹/۳-۸۲؛ صدر، ۱۳۷۰: ۳۰۹).

در تبیین اهمیت اصول فقه، این پس که امروزه دستیابی به احکام شریعت، قانونگذاری، فهم و تفسیر قوانین، داوری و اجرای آن بدون شناخت و فهم صحیح این دانش ناممکن است.

در خصوص حقوق ایران، علم اصول تأثیر بیشتری دارد؛ زیرا قسمت مهم حقوق خصوصی ایران مقتبس یا متأثر از فقه اسلامی است؛ مثلاً بیشتر قانون مدنی ایران از کتب فقهی امامیه گرفته شده است و حتی اصطلاحات عقود، ایقاعات، شروط و غیره که در آن به کار رفته همان اصطلاحات فقهی است و چون استفاده از فقه امامیه بدون اصول فقه غیرممکن است، از این رو باید پذیرفت که علم اصول فقه، تأثیر زیادی در فهم و درک حقوق موضوعه ایران دارد و برای حقوق ایران ناچار باید اصول دانست (محمدی، ۱۳۷۰: ۲۲).

حتی فراتر از این حقیقت که قانونگذاری، تفسیر قانون، اعمال و اجرای قانون و قضاوت بر اساس قانون در نظام جمهوری اسلامی ایران، نیاز مبرم به شناخت، فهم، امعان نظر و مذاقه‌های اصولی دارد؛ اساساً دانش اصول فقه به‌مثابه رشته‌ای روش‌شناختی می‌تواند در حوزه‌های معرفتی غیر از دانش فقه و همه علوم اسلامی به کار آید؛ به‌ویژه در پژوهش‌ها و مطالعات حقوقی و برای دانش پژوهان رشته‌های حقوق این ضرورت دارای اهمیت مضاعف است. در اصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیراین‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد. این اصل بر اطلاق یا عموم همه اصول قانون اساسی، قوانین و مقررات دیگر حاکم است و تشخیص این امر بر عهده فقهای شورای نگهبان است ... و نیز در اصل یک‌صد و شصت و هفتم قانون اساسی آمده است: قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر نماید و نمی‌تواند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد (قیاسی، ۱۳۷۹: ۲۵۷).

از این رو فقه اسلامی به‌طور مستقیم یا به صورت قانون مصوب مجلس، مبنای حقوق موضوعه کشور ایران خواهد بود و چون استفاده از فقه بدون اصول غیرممکن است؛ از این رو باید پذیرفت که علم اصول فقه تأثیر بسزایی در فهم و درک حقوق و قوانین

متعددی را به جامعه تقدیم نموده است (نگ: پایگاه اطلاع رسانی دفتر آیت الله سبحانی).

آثار فقهی

در زمینه مسائل فقهی می توان آثار منتشر شده از مؤلف را به دو بخش تقسیم کرد:

الف: فقهی عام مانند سلسله المسائل الفقهية، مصادر الفقه الاسلامي، ...

ب: مسائل فقهی در موضوعی خاص مانند الخمس فی الشريعة الاسلامية، نظام المضاربه فی الشريعة، نظام النکاح و...

آثار اصولی

آثار و تألیفاتی که در عرصه اصول فقه از استاد سبحانی منتشر شده است متنوع است و در سطوح مختلف و برای مخاطبان گوناگون تدوین شده است:

- ۱- تهذیب الاصول (۳جلد)؛ تقریرات درس اصول امام خمینی (ره).
- ۲- المحصول فی علم الاصول (۴ جلد)؛ تقریرات درس اصول استاد سبحانی. نگارش سید محمود جلالی مازندرانی.
- ۳- الرسائل الأربع.
- الف- ملازمة حکم عقل و حکم شرع. نگارش به قلم استاد.
- ب- التسامح فی أدلة السنن. نگارش به قلم: آقای علی اکبر کلانتری.
- ج- الاجتهاد فی أدلة السنن. نگارش به قلم: آقای علی اکبر کلانتری.
- د- قاعدة لا ضرر. نگارش به قلم شیخ علی حیدری.
- ۴- الموجز فی علم الاصول.
- ۵- الوسیط فی علم الاصول (۲جلد).
- ۶- ارشاد العقول إلى علم الاصول (۴ جلد).
- ۷- رسائل اصولية.
- ۸- اصول الفقه المقارن.

شیوه تدریس

استاد سبحانی همواره سروقت (بدون اندکی تأخیر) در جلسه درس حاضر می شود و بایبانی شمرده و منظم به القای درس فقه، اصول و عقاید می پردازد. ایشان در آغاز، دورنمایی از بحث را ترسیم می کند و آنگاه به تفصیل، موضوع مورد بحث را توضیح می دهد. وی به هنگام نقل گفتار صاحب نظران از محققان پیشین تا محققان معاصر از آنان تکریمی شایان می کند و درعین حال، با دقت و ژرف نگری سخن آنان را نقد می کند. جلسات درس ایشان، به خصوص فقه، آمیزه ای از پند و اندرز و اخلاق و تاریخ است و به خوبی به اشکالات شاگردان، هرچند سست باشد، گوش فرامی دهد و با متانت و بردباری به پاسخ آنان می پردازد. ایشان در درس بر زیبایی نویسی، رعایت نکات ادبی و

ویرایشی تأکید فراوان می نماید و بسیار می گوید: اینجا را از اول سطر بنویسید و این مطلب را با رعایت فاصله از مطلب پیشین جداسازید. وی تا مدتی پس از درس، نشسته و برای شنیدن پرسش های دیگران و پاسخ بدان ها درنگ می کند. دفاتر شاگردان خود را می گیرد و آنان را در بهتر نویسی راهنمایی می کند و گاهی در روزهای چهارشنبه به شرح حدیثی از ائمه اطهار نیز می پردازد (همان).

استاد برخی از نوشتارهای شاگردانش در فقه، اصول، کلام و تاریخ را، که درس های او را به نگارش درآورده اند، مطالعه می کند و با تصحیح برخی از مطالب آن، آن ها را به دست چاپ می سپارد و از این رهگذر آنان را مورد تشویق قرار می دهد. وی در درس فقه به تتبع گفتار فقها و دقت در آن ها، تحقیق در رجال سند احادیث و دقت در فهم روایات می پردازد و در درس اصول با تکیه بر متن کفایة الاصول گفتار اصولیان را به نقد می کشد (همان).

امتیازات و مزایای کتاب الوسیط

کتاب الوسیط در سطحی میانی برای فراگیران دانش اصول فقه در حوزه های علمیه طراحی و تدوین شده است. این کتاب پس از فراگیری کتاب الموجز و قبل از دوره عالی به عنوان متن آموزشی هدف گذاری شده است. نقاط قوت و برجستگی کتاب الوسیط نسبت به متون مشابه به شرح زیر است:

۱- جامعیت

بسیاری از تألیفات اصولی به بررسی بخش هایی از این دانش پرداخته است. مثلاً اصول فقه مرحوم مظفر که همچنان از متون درسی نسبتاً خوب به شمار می آید، در بحث مهم اصول عملیه تنها به استصحاب پرداخته است و نیز در مباحث حجج و امارات به همه آنچه در این زمینه مطرح است، پرداخته نشده است؛ اما در کتاب الوسیط به همه مباحث مطرح در اصول فقه پرداخته شده است.

از باب نمونه در موضوع حجج و امارات که از مهم ترین مباحث کلیدی در همه گرایش های حقوقی و فقهی است، غالب متون آموزشی فاقد چنین جامعیتی است. در این کتاب عقل، اجماع محصل، قرآن و سنت ذیل عنوان «حجت» قرار گرفته و ادله ظنیه را به دو بخش ادله ظنیه معتبر و ادله ظنیه غیر معتبر تقسیم کرده و همه آنچه در جهان اسلام در این موضوع مطرح شده در این بخش، مورد کنکاش قرار داده است.

برای شناخت بهتر جامعیت کتاب کافی است به موضوعات و عناوین فصل حجج و امارات نگاهی داشته باشیم:

عقل یکی از منابع قانونگذاری، احکام و اقسام قطع، ... حجیت عقل یا کاشفیت عقل از حکم شرع، حوزه و عرصه حسن و قبح عقلی، عرصه ملازمة حکم عقل و شرع، دیدگاه اخباری ها در

حجیت عقل، اجماع محصل، دیدگاه فقهای اهل سنت نسبت به اجماع محصل، جایگاه اجماع محصل نزد فقهای شیعه، قرآن، استدلال اخباری‌ها برای حجیت نداشتن ظاهر قرآن، سنت، اجماعی که با خبر واحد بیان می‌شود، شهرت فتوایی، حجیت سخن لغت‌شناسان، قیاس، ... تفاوت میان علت و حکمت حکم، قیاس منصوص العله، قیاس مستنبط العله، قیاس اولویت، تنقیح مناط یا الغاء خصوصیت، تخریج مناط، ... استحسان، استصلاح یا مصالح مرسله، سد ذرایع، فتح ذرایع، سخن صحابی، اجماع اهل مدینه.

مقایسه و تطبیق همین مقدار مباحث با متون مشابه نشانگر جامعیت نسبی کتاب است.

۲- سطح بندی ارائه مطالب

متأسفانه بسیاری از کتاب‌های درسی حوزه برای آموزش نگاشته نشده است، بلکه تنها دربرگیرنده نظرات و آرای نویسندگان آن‌هاست. نویسندگان کتاب‌های رایج در حوزه برای تدریس کتاب خود، گروه خاصی از دانش‌پژوهان را در نظر نداشته‌اند که بر اساس فهم، درک و به‌دور از عبارات پیچیده و مباحث غیرضروری نوشته‌های خویش را ارائه دهند (ذاکری، ۱۳۷۴: ۶۹). در زمینه اصول فقه نیز این چنین است. کتاب‌های تدوین شده در موضوع اصول فقه غالباً دارای یک سطح، مثلاً ابتدایی و یا برای دانش‌آموختگان سطح عالی پیش‌بینی شده است.

از امتیازات کتاب الوسیط هدف‌گذاری در سطح و چگونگی ارائه محتواست. مؤلف کتاب الوسیط با مخاطب شناسی مباحث را سطح بندی کرده و در سه سطح ساده، متوسط و عالی ارائه کرده است. کتاب الموجز برای افرادی که می‌خواهند آشنایی ابتدایی با این دانش پیدا کنند، مباحث در کتاب الوسیط در دو جلد در سطحی متوسط و کتاب ارشاد العقول الی علم الاصول در چهار جلد با تفصیل و بسط برای سطحی عالی عرضه شده است.

۳- طرح مباحث به گونه مقایسه‌ای و تطبیقی

شناخت و فهم بهتر موضوعات علمی زمانی میسر است که دیدگاه ارائه شده همراه با دیگر نقطه نظرات و نظر مخالفان آن عرضه شود؛ چنین ظرفیتی در این کتاب گنجانده شده است. در این کتاب در طرح مباحث اصولی با دیدگاه‌های متفاوتی بررسی شده است. از باب نمونه در مبحث حجیت عقل و ظواهر قرآن دیدگاه مخالفان و دلایل اخباری‌ها مورد بررسی و نقد قرار گرفته است؛ همچنین در مباحث ظنون غیر معتبر، استدلال و سخنان اهل سنت و قائلان به حجیت مطلق ظنون، بررسی و تحلیل شده است.

در رشته‌های حقوقی شناخت و اطلاع صحیح و جامع دانشجویان از نظرات و دیدگاه‌های مطرح از سوی اندیشمندان حقوقی در تعمیق فهم و دانش آنان و نیز در ارتقاء مهارت‌های حقوقی بسیار کارآمد است.

۴- نگاه تاریخی

بی‌تردید در شناخت عمیق و فهم درست مسائل هر علمی مطالعه و آشنایی با تاریخ آن علم، سیر تطورات آن و نظریات داده شده بسیار تأثیرگذار است. پاره‌ای از فواید پژوهش تاریخی به شرح زیر است:

الف) در اثبات گزاره‌های یک علم یا دستیابی به دیدگاهی محکم‌تر و قابل اطمینان‌تر محقق را یاری می‌رساند.

ب) در شناخت لغزشگاه‌های محققان پیشین در استدلال و احتراز از آن‌ها، برای محقق سودمند است.

ج) موجب آگاهی محقق از علل و عوامل پیدایش مسائل علم و تصحیح و تکمیل روش‌های پژوهش در آن مسائل می‌شود.

د) با توجه به منشاء مباحث و سیر تاریخی آن‌ها، از انحراف موضوعات مسائل مطروح شده در علم جلوگیری می‌کند.

ه) امکان نگاه کلی و جمعی، زمینه‌ساختارمندی و یک‌دست بودن مباحث را برای محقق فراهم می‌سازد و او را از موضوع محوری که از آفت‌های اساسی عدم پژوهش‌های تاریخی است و اغلب موجب بی‌انسجامی، ناهماهنگی و گاه تناقض‌گویی در دیدگاه‌های یک محقق در مباحث گوناگون می‌شود، مصون نگاه می‌دارد.

و) طرح بسیاری از پرسش‌های اساسی، دیدگاه‌های تازه و راهگشا و جرعه‌های علمی تحوّل‌ساز برای یک اندیشمند درگرو مطالعات و پژوهش‌های تاریخی در علم است.

پژوهش تاریخی در علم اصول نیز بی‌شک از اهمیت بسزایی برخوردار است و فواید بسیاری را نصیب محققان آن می‌کند. شهید صدر (ره) صاحب حلقات الاصول در مقدمه کتاب المعالم الجدیدة للاصول فرموده است: بایسته است تاریخچه علم اصول به خاطر اهمیتش در متون آموزشی جهت استفاده طلاب گنجانده شود؛ بدین طریق طلاب مبتدی با نوع بینش و شخصیت مجتهدین اصولی آشنا می‌شوند و نسبت به فهم و تحلیل قول صحیح به درک واقع و نفس الامر می‌رسند.

مؤلف الوسیط در ارائه مباحث ضمن توجه به سیر تاریخی و تطوراتی که احیاناً یک مسئله درگذر زمان پیدا کرده است و توجه به آن در تعمیق و فهم بهتر مسئله بسیار مهم است، در مقدمه‌ای بسیار مفید که بر این کتاب نگاشته است به صورت اجمال به تاریخ علم اصول و ادوار آن پرداخته است.

۵- چپش خوب در ارائه مباحث

در همه مباحث الوسیط یک سیر منطقی دیده می‌شود. کتاب با مقدمه‌ای که نگاهی به تاریخ علم اصول است شروع شده و در ذیل نه عنوان که موضوعاتی مقدماتی برای آشنایی با یک علم را تشکیل می‌دهد، تألیف شده و ضمن یک تقسیم‌بندی خوب همه مباحث اصولی را در هشت مقصد و یک خاتمه ارائه کرده است. نویسنده برای پرهیز از تطویل از ذکر جزئیات خودداری کرده است. در این راستا کافی است به فهرست این کتاب نگاهی بیندازیم.

۶- ادبیات

از ویژگی‌های کتاب «الموجز و الوسیط» این است که برخلاف کتاب‌های اصولی دیگر، که نوعاً با ادبیات سخت و دشوار و تعبیرهای مبهم مواجه است، بهره‌مند از ادبیات جدید و امروزی است. سبک و ادبیات کتاب «الموسیط و الموجز» به گونه‌ای است که با بیان ساده و درعین حال علمی آن، مطالب و موضوعات اصولی به ساده‌ترین زبان ارائه شده است و از تمامی مباحث موردنیاز در علم اصول، به اجمال سخن رفته است که با فراگیری این کتاب به طور کامل، توانایی‌هایی را از جمله آشنایی با تمامی مباحث علم اصول، هرچند به صورت اجمالی، ایجاد می‌کند.

استاد سبحانی بعد از بیان مطالب و آراء پیشینیان، به بیان نظرات خود و قضاوت درباره آن مبحث و آراء مذکور می‌پردازد. این شیوه نگارش، به خواننده بستر و افق باز فکری را ارائه می‌کند و به نوعی به او بعد از فهم مطالب، جرأت قضاوت و نقد مطالب جدید و تفکر را عرضه می‌کند.

در نقد آراء مخالف و بررسی ضعف و بطلان آن‌ها همواره برخوردی احترام‌آمیز داشته و از تحقیر و یا سخنان اهانت‌آمیز پرهیز شده است.

۷- نوین بودن مباحث

متون آموزشی با اهداف کلان آموزشی و تربیتی موردنظر نظام آموزشی باید منطبق باشد و نتیجه فراگیری آن دستیابی دانشجویان به مهارت و تخصصی است که پاسخگوی مطالبات و انتظارات از او در مشاغل پیش روی اوست. دوری‌گزینی از مباحثی که فاقد نتایج عملی است و در تعمیق اندیشه، دانش یا مهارت‌های دانشجویان کارایی ندارد از مؤلفه‌های خوب در یک متن آموزشی است. در کتاب الوسیط مباحث و دیدگاه‌های جدید در موضوعات اصول فقه مطرح شده و مورد کنکاش قرار گرفته است.

استناد به نظرات علمای معاصر، به نوین بودن کتاب می‌افزاید و این امر نشانگر جامعیت علمی و تسلط آیت‌الله سبحانی بر آراء اصولی است. در طرح و ارائه همه مباحث از نظرات بزرگان و علمای معاصر از جمله نظرات اصولی امام خمینی (ره) استفاده شده است. نکته قابل توجه اینکه آیت‌الله سبحانی خود بر لزوم پالایش علم اصول تأکید دارد و معتقد است باید علم اصول تکامل بیابد. (نگ: مصاحبه آیت‌الله سبحانی ۲۱ آذر ۱۳۹۲، ایستا به نقل از حوزه نیوز)

کاستی‌ها و نقاط ضعف

با اذعان به نقاط قوت کتاب که به برخی از آن‌ها اشاره شد و اینکه مؤلف محترم الوسیط اندیشمندی صاحب‌نظر در دانش اصول فقه است؛ اما باید توجه داشت یک متن آموزشی برای دانشجویان رشته‌های فقهی و حقوقی باید دارای مشخصات و ابعاد دیگری باشد که متأسفانه این کتاب فاقد آن‌هاست. از جمله مهم‌ترین نیازهای دانشجویان برای یادگیری درس اصول فقه،

وجود کتابی است که با بیانی ساده و روان و از زاویه دید حقوقی به مباحث این علم بنگرد؛ چراکه در علم اصول فقه، بسیاری از مباحث و نظرات اصولیون اختلافی است و آنچه موردنیاز دانشجویان حقوق است با توجه به اشتغال و یا مسئولیت‌هایی که خواهد داشت، متون آموزشی ویژه و متفاوتی می‌طلبد که از آن جمله طرح و تبیین مباحثی است که نظر پذیرفته شده در قانون می‌باشد.

برای نمونه به چند مورد از موارد ضعف کتاب اشاره می‌کنیم:

۱- دشواری و صعوبت در فرایند فراگیری

ساده‌نویسی، نگارش روان مطالب و سهولت در فهم صحیح و انتقال درست مفاهیم از نکات مهم در یک متن آموزشی است. با توجه به اینکه نظام آموزشی دانشگاه پیام نور غیرحضور و یا نیمه‌حضور است نقش متون آموزشی در آن بسیار مهم است و باید به گونه‌ای باشد که بتواند به صورت خود خوان مورد استفاده قرار گیرد. بی‌تردید الوسیط، با آنکه در نوع خود برجسته است و برای مخاطبان حوزه‌ای خود از ادبیات مناسب و قابل فهم بهره‌مند است اما برای دانشجویان کارشناسی رشته فقه و میانی حقوق و کارشناسی ارشد برخی از گرایش‌های حقوقی، بسیار سنگین و احیاناً غیرقابل فهم است. هرچند با تدوین ترجمه و شرح بر آن، بخشی از این صعوبت جبران شده است. کتبی از قبیل ترجمه و شرح الوسیط فی اصول الفقه از محمدحسن شیبانی فر تألیف شده است؛ اما به دلیل ترجمه‌ای بودن باز هم دانشجویان در فهم مباحث دچار ابهام و مشکل‌اند.

اساتیدی که سال‌ها در این زمینه تدریس دارند کاملاً واقف هستند که حتی با همه این ترجمه و شرح‌های ارائه‌شده باز هم چگونه دانشجویان در فهم و شناخت صحیح مطالب کتاب با مشکلات متعدد مواجه‌اند.

درحالی‌که می‌توان متونی ویژه با مدنظر قرار دادن مخاطب تدوین کرد که ضمن سهولت و روانی مباحث، قابلیت خود خوان بودن داشته باشد.

۲- فقدان مثال‌های حقوقی

برای فهم دقیق‌تر مباحث اصولی و اهمیت آن لازم است موارد کاربرد آن در مباحث حقوقی گوشزد شود و برای تبیین بهتر مسائل باید از مثال‌های حقوقی استفاده کرد؛ به طوری که دانشجویان پس از مطالعه آن مثال‌ها، این توانایی را پیدا کنند که خود برای آن مبحث، مثال‌های دیگری از مواد قانونی بیان کنند. کتاب الوسیط متأسفانه فاقد این مهم است. البته به دلیل آنکه گروه هدف کتاب حوزه‌های علمیه است مثال‌های کتاب که از ابواب عبادی انتخاب شده است قابل توجیه است اما برای دانشجویان مربوط، باید طرح مسائل اصولی با مصادیق و نمونه‌هایی از مباحث مدنی و کیفری همراه باشد.

اساساً نظام آموزشی، هدف آموزشی، شیوه تدریس و ... در حوزه متفاوت با دانشگاه است و در نتیجه متون آموزشی در این

دو نهاد هرچند در یک زمینه و یک دانش باشد باید متفاوت و برای هر یک به صورت ویژه تدوین شود (ذاکری، ۱۳۷۵: ۶۲؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۷۶).

همه این مباحث نشانگر آن است که متون آموزشی در این دو نهاد با دو رویکرد متفاوت تدوین می‌شود و آنچه متناسب با دانش آموختگان حوزه است لزوماً برای رشته‌های مشابه دانشگاهی مناسب نیست.

۳- مباحث بی‌ثمر

از دانشگاه انتظار پرورش فقیه نباید داشت. اجتهاد و مجتهد پروری حتی در مقطع دکتری دانشگاه‌ها هم امری نادر و بعید است. از این رو منابع آموزشی باید منطبق با واقعیت و اهداف تعریف شده باشد. مباحثی که بیشتر در ابواب عبادات کاربرد دارد، اساساً مورد نیاز دانشجویان نیست، چراکه هدف از آموزش در نظام دانشگاهی تعالی دادن دانشجویان در حد فقهت و مقام افتاء نیست. اینکه مثال‌های کتاب غالباً از عبادیات است نشانگر آن است که مخاطب کتاب، گروه دیگری تعریف شده است.

فهم و دریافت صحیح متن آموزشی اصول فقه که برای دانشجویان رشته‌های مربوط بسیار کاربردی و مهم است باید کلیه مباحث مورد نیاز دانشجویان را پوشش داده و از مباحث بی‌ثمر، به جهت جلوگیری از اطاله مباحث به دور باشد. از آنجاکه حجم مترجم مطالب درسی فرصت تأمل، تفکر و ابتکار را به دانشجویان نمی‌دهد؛ لذا برنامه‌ریزان و نویسندگان باید از حجم مطالب غیرضروری و کم‌اهمیت بکاهند و در عوض مطالبی را در کتاب‌ها بگنجانند که معطوف به نیازهای شغلی و حرفه‌ای دانشجویان بوده و آنان را به تحقیق و تفکر در حل مسائل و مشکلات موجود جامعه سوق دهد.

در متون آموزشی موجود مباحثی هست که بی‌ربطه با فقه و اصول نیست، ولی دخالت چشمگیر و مؤثری در مقام استنباط ندارد و باید تلخیص شود. مانند مسئله مشتق که ساعات زیادی برای آن وقت صرف می‌شود تا معلوم شود که مشتق حقیقت در خصوص متلبس به مبدأ است یا حقیقت در اعم از متلبس به مبدأ و ما انقضی عنه المبدأ است. از جمله ثمراتی که برای این مبحث ذکر کرده‌اند، این است که اگر حقیقت در اول باشد، ادرار در زیر درختی که دارای ثمره است در زمانی که دارای میوه نیست، مکروه نیست و اگر حقیقت در دوم باشد، آن مکروه است؛ در حالی که اولاً، ذکر این ثمره برای آن مورد نقد و اشکال قرار گرفته و ثانیاً، بر فرض تمام بودن آن، آیا سزاوار است این همه وقت برای آن صرف شود.

از مسائل دیگری که لازم است تلخیص شود عبارت است از: مسائل اشتراک، حقیقت شرعی، مقدمه واجب، بحث ضد، اجتماع امر و نهی و نظایر این‌ها است. برخی از مباحث نیز قابل حذف است؛ مانند مباحث: تعریف وضع، اقسام وضع، استعمال لفظ در چیزی که با موضوع له مناسبت دارد بالوضع است یا بالطبع، وضع الفاظ در برابر معانی آن‌ها، مرکبات

آیا دارای وضع مستقل هستند یا خیر، اطلاق لفظ و اراده نوع یا صنف یا شخص آن و معانی حرفی اختطاری است یا ایجاد، مسئله انسداد، انسداد کبیر و صغیر، احوال پنج‌گانه لفظ، جواز استعمال لفظ واحد در بیشتر از یک معنا، جواز امر امر با علم او به نبود شرط آن، فرق بین ماهیت مهمله و لابشرط مقسمی و فرق بین اسم جنس و اطلاق و نظایر این‌ها که حتی در استنباط احکام شرعی نقشی ندارد. همچنین مبحث انسداد؛ چون امروز کسی قائل به انسداد مطلق، حتی باب علمی، نیست امکان حذف آن از مسائل و موضوعات علم اصول وجود دارد.

۴- طرح مباحث اختلافی در اصول فقه

با توجه به این که مباحث اختلافی در اصول فقه بسیار است؛ در واقع در هر مسئله اصولی دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد و مطالعه و شناخت آن‌ها هرچند برای شناخت تفصیلی مسئله و برای حوزه‌های علمیه مفید است اما برای دانشجویان لزومی ندارد؛ حتی می‌تواند ابهام‌آفرین باشد و بر سختی درس بیفزاید. آنچه شناخت و فهم آن برای دانشجویان لازم است، تبیین مباحثی است که آن نظرات پذیرفته شده و مبنای قوانین و تفسیر آن می‌باشد. البته این اشکال متوجه کتاب نیست بلکه دامن زدن به دلایل هر یک از دیدگاه‌ها از نقاط قوت کتاب و در جای خود موجب کمال و جامعیت آن است؛ اما سخن بر سر کارایی آن برای دانشجویان کارشناسی و یا کارشناسی ارشد است. آیا این‌گونه کتب برای دانشگاه و دانشجویان حقوق، متون آموزشی مناسب و مطلوبی است؟

در آموزه‌های اسلامی بر انتخاب علمی تأکید شده که فایده‌اش برای انسان و جامعه بیشتر باشد. رسول خدا در این باره فرمود: «العلم اکثر منان یحصد من کل علم احسنه» (علامه مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۱۹/۱). علم و دانش بیش از آن است که بتوان آن را شمارش کرد. پس نیکوترین آن را فرا بگیر؛ و نیز فرمود: «خذوا من کل علم ارواحه و دعوا ظروفه فان العلم کثیر و العمر قصیر» (همان). از هر دانشی روح و عصاره و لب آن را بگیرید و پوسته‌های آن را رها سازید؛ زیرا علم پدانه و گسترده و عمرها کوتاه و زودگذر است. حضرت علی (ع) نیز در این باره فرمود: العلم اکثر من ان یحاط به فخذوا من کل علم احسنه (همان).

از این رو در دانشگاه‌ها با توجه به رشته‌های تخصصی باید متون آموزشی متناسب و اختصاصی کارآمد و تأثیرگذار تدوین شود که با آینده و اهداف رشته تحصیلی آنان سازگاری عمیق داشته باشد.

۵- لغزش محتوایی

صرف نظر از مواردی که در کتاب جایان قلت و مباحثه علمی وجود دارد اما به نظر می‌رسد احیاناً سهو القلمی رخ داده که در بازنگری، آن موارد قطعاً تصحیح خواهد شد. مثلاً در مقصد سوم ذیل مبحث مفاهیم، استاد دو تنبیه را مطرح کرده که در آن به تعریف تداخل اسباب می‌پردازد و برای آن تعریفی ناصحیح

ارائه می‌شود:

في تداخل الأسباب و المستببات

إذا تعددت الشرط و اتحد الجزء على نحو يقبل التكرار كما إذا قال: إذا به لت فتوضاً و إذا نمت فتوضاً، فيقع الكلام في تداخل الأسباب تارة و تداخل المسببات أخرى و المراد من تداخل الأسباب، اقتضاء كل سبب وجوباً خاصاً غير ما يقتضيه السبب الآخر، كما أنّ المراد من تداخل المسببات بعد القول بعدم تداخل الأسباب إجزاء امتثال واحد، لكلا الوجوبين و عدمه (الوسيط، ۱۳۸۸: ۱۷۸۱)

تداخل اسباب و مسببات

جایی که چند شرط و یک جزا وجود داشته باشد به گونه‌ای که جزا قابل تکرار باشد (مسئله تداخل اسباب و مسببات مطرح می‌شود).

مانند اینکه گفته شود: «اگر بول کردی، وضو بگیر» و «اگر خواب رفتی، وضو بگیر» (در این مورد شرط و سبب برای وضو گرفتن متعدد است و وضو که مسبب است، قابلیت تکرار دارد یعنی ممکن است برای هر یک از این سبب‌ها یک وضو واجب شود) پس باید دید تداخل اسباب و تداخل مسببات به چه معناست.

سپس استاد در تعریف تداخل اسباب این گونه می‌گوید:

«منظور از تداخل اسباب آن است که هر سببی، اقتضای وجوب خاصی را داشته باشد به دور از وجوبی که سبب دیگر اقتضای آن را دارد».

به نظر می‌رسد تعریف ارائه شده ناصحیح است. تداخل اسباب یعنی اینکه دو سبب مستقل مانند یک سبب واحد شده و در یک مسبب عمل کنند.

بحث و نتیجه گیری

دانش اصول فقه و شناخت درست آن نقش بسیار کلیدی در فرایند قانونگذاری و فهم و صدور احکام دارد. تدوین متون آموزشی در زمینه اصول فقه به ویژه برای دانشجویان رشته‌های فقه و حقوق از اهمیت خاصی برخوردار است از این رو منابع تألیفی در این عرصه باید مبتنی بر شناخت نیازمندی‌ها و مؤلفه‌های قابل توجه در نظام آموزشی دانشگاه باشد.

کتاب الوسيط فی اصول الفقه در سطحی میانی برای فراگیران دانش اصول فقه در حوزه‌های علمیه طراحی و تدوین شده است و ضمن آنکه نارسایی‌های متونی از این دست را کمتر دارد همه مباحث اصول فقه را با شیوه و چینشی علمی ارائه کرده است. در این مقاله به هفت امتیاز و برجستگی کتاب الوسيط از قبیل جامعیت، نگاه تاریخی، ادبیات، چینش موضوعات، مباحث نوین و تطبیقی آن اشاره شده است.

از طرف دیگر کتاب موردنظر به عنوان متن آموزشی

اصول فقه برای دانشگاه، به ویژه دانشگاه پیام نور، با توجه به غیرحضور و یا نیمه‌حضور بودن آن و ...، دچار کاستی‌هایی است که زدودن و یا جبران آن‌ها ضروری است که مواردی از قبیل دشواری و صعوبت در فرآیند فراگیری، فقدان مثال‌های حقوقی، طرح مباحث اختلافی و بی‌ثمر و لغزش‌های محتوایی را شامل می‌شود.

منابع

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹). کفایة الاصول. قم: مؤسسه آل‌البتین لاحیاء التراث.
- بی‌نام (۱۳۶۵). «ضرورت آموزش تاریخ در حوزه علمیه». نشریه حوزه علمیه قم. شماره ۱۵.
- بی‌نام (۱۳۶۸). «بازسازی و رسالت حوزه و دانشگاه». نشریه حوزه علمیه قم. شماره ۳۵.
- حکیمی، محمدرضا (۱۳۶۱). هویت صنفی روحانی. قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه.
- خمینی، روح‌الله (بی‌تا). تهذیب الاصول. به تقریر: جعفر سبحانی. قم: انتشارات دارالفکر.
- (۱۳۷۰). مناهج الوصول الی علم الاصول. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- (۱۳۶۲). صحیفه نور. تهران: مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.
- خوارزمی، محمدبن‌احمد (۱۳۸۳). مفاتیح العلوم. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ذاکری، علی‌اکبر (۱۳۷۵). «نگرشی به متون آموزشی حوزه». نشریه حوزه. شماره ۴. ص ۳۵.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۷۵). «شیوه‌های تدریس در حوزه». فصلنامه پیام حوزه. شماره ۱۲.
- زادهوش، احمد (۱۳۷۹). «حوزه و اندیشه اصلاح». فصلنامه دینی و پژوهشی حوزه اصفهان. شماره ۲. صص ۲۰۱-۱۹۶.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۸). الوسيط فی اصول الفقه. قم: مؤسسه امام صادق.
- (۱۳۸۹). الموجز. قم: انتشارات دارالفکر.
- تهذیب الاصول؛ تقریرات درس اصول امام خمینی. قم: دارالفکر.
- (بی‌تا). الرسائل الأربع. قم: مؤسسه امام صادق.
- (بی‌تا). ارشاد العقول الی علم الاصول. قم: مؤسسه امام صادق.
- (۱۴۸۳). رسائل اصولیة. قم: مؤسسه امام صادق.
- (بی‌تا). اصول الفقه المقارن فی ما لا نص فیه. قم: مؤسسه امام صادق.
- (۱۴۱۹). مصادر الفقه الإسلامی و منابعه. بیروت:

دارالاضواء.

----- (۱۴۲۰). الخمس فی الشریعة الاسلامیة الغراء. قم: مؤسسۃ امام صادق.

----- (۱۴۱۶). نظام المضاربه فی الشریعة. قم: مؤسسۃ امام صادق.

----- (بی تا). نظام النکاح فی الشریعة الاسلامیہ الغراء. قم: مؤسسۃ امام صادق.

----- جلالی مازندرانی، سید محمود (بی تا). المحصول فی علم الأصول؛ تقریرات درس اصول استاد سبحانی. قم: مؤسسۃ امام صادق.

شہابی، محمود (۱۳۴۰). ادوار فقہ. تهران: انتشارات دانشگاه تهران. شیبانی فر، محمدحسن (۱۳۹۳). اصول فقہ. ترجمہ و شرح الوسیط فی اصول الفقہ. تهران: نشر قربانی.

صدر، سید محمدباقر (۱۳۷۹). المعالم الجدیدہ للاصول. چاپ دوم. قم: مرکز الابحاث و الدراسات التخصصیۃ للشہید الصدر.

صدر، سید حسن (۱۳۵۴). تأسیس الشیعہ الکرام لعلوم الاسلام. بی جا: شرکت النشر و الطباعة العراقیة المحدودہ.

علامہ مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. چاپ سوم. بیروت: مؤسسۃ الوفاء.

غزالی، ابو حامد محمد بن محمد (۱۳۲۲). المستصفی من

علم الاصول. قاہرہ: بولاق، المطبعة الامیریة.

قمی (میرزای قمی)، ابوالقاسم بن محمدحسن (بی تا). قوانین الاصول. تهران: مکتبۃ العلمیة الاسلامیة.

قیاسی، جلال الدین (۱۳۷۹). روش تفسیر قوانین کیفری. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.

گرچی، ابوالقاسم (۱۳۷۵). تاریخ فقہ و فقہا. تهران: سمت.

نجفی، محمد (۱۳۷۴). تاریخ آموزش و پرورش در اسلام: بررسی تاریخی و تحلیلی نظام آموزشی حوزه های علمیه. اصفهان: بی جا.

محمدی، ابوالحسن (۱۳۷۰). مبانی استنباط حقوق اسلامی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

مظفر، محمد رضا (۱۳۷۰). اصول الفقہ. چاپ چهارم. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

مفید، ابو عبد الله محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳). التذکرۃ بہ اصول الفقہ. قم: المؤتمر العالمی لالقیۃ الشیخ المفید.

موسوی، علی بن حسین (سید مرتضی) (۱۳۶۳). الذریعة. چاپ دوم. انتشارات دانشگاه تهران.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی